تاکتیک: دور از انتظار- استراتژی: قابل انتظار

اختلاف روسیه و اوکراین در خصوص قیمت گاز فقط چند روز به طول انجامید،اما اثرات کوتاه و بلند مدت‏ این قطع شدن چند روزه تاثیر و پیامدهای قابل توجهی‏ در اروپا داشت.

از یک سو قطع موقتی گاز و دورنمای فقدان این ماده، غالبب کشورهای اروپایی را نگران کرد و به تکاپو واداشت که به نظر می‏رسد باید در انتظار تغییرات‏ قابل ملاحظه‏ای در صنعت جهانی گاز بود.از جانب‏ دیگر برقراری و تداوم جریان گاز به سمت اروپا ممکن‏ است با عوامل دیگری در هم آمیزد و تحول سیاسی‏ عمده‏ای را در ترکمنستان موجب شود.

در روزهای پایانی سال 2005 روسیه اعلام کرد چنانچه‏ اوکراین با افزایش قیمت گاز صادراتی روسیه(از 50 دلار به 230 دلار برای هر هزار متر مکعب)موافقت نکند جریان‏ گاز از روز اول ژانویه 2006 قطع خواهد شد.توافق حاصل‏ نشد و روسیه تهدید خود را عملی کرد؛ولی در روز چهارم ژانویه به طرفین به توافق رسیدند و وضعیت از این‏ لحاظ عادی شد.

روسیه

تولید سالانه گاز روسیه(اولین دارنده منابع گازی‏ جهان)حدود 550 میلیارد متر مکعب است.تولید گاز آن کشور از مخازن قدیمی‏تر در حال کاهش و تقاضا به‏ نحو فزاینده‏ای رو به افزایش است.روسیه به جای‏ سرمایه‏گذاری و استخراج مخازن جدید در سیبری که‏ نیازمند صرف هزینه و زمان است با بهره‏گیری از موقعیت ممتاز جغرافیایی و همچنین پشتوانه سوابق‏ سال‏های گذشته،برای خرید و انتقال گاز آسیای میانه‏ برنامه‏ریزی کرده است.

میزان مصرف داخی گاز روسیه در سال 2004 معادل‏ 258 میلیارد متر مکعب و در سال بعد از آن 325 میلیارد متر مکعب بوده است که با یارانه به مصرف کنندگان‏ روسی عرضه شده است.صادرات درآمدزای گاز قرار است در سال 2006 به 151 میلیارد و در 2008 به 163 میلیارد متر مکعب بالغ شود.

روسیه به طور سنتی به کشورهای اروپای شرقی و مرکزی که جزء شوروی یا از اقمار آن بودند و اکنون به‏ عضویت اتحادیه اروپایی درآمده و یا در آستانه عضویت‏ قرار دارند گاز با قیمت یارانه‏ای صادر می‏کرد و در سال‏های اخیر برای تغییر این روند دست به اقداماتی‏ زده است.اتفاقا اولین اقدام حاد،در مورد تنها متحد باقی مانده برای روسیه یعنی بلاروس انجام شد.در فوریه‏ 2004 چون دولت مینسک با دو برابر شدن قیمت گاز موافقت نکرد روسیه جریان گاز در خط لوله Yamal را که به لهستان و آلمان نیز گاز رسانی می‏کرد،برای یک روز قطع کرد.این امر نگرانی مختصری برای آن دو کشور ایجاد کرد و لهستان تلاش‏هایی را برای عقد قرارداد با نروژ آغاز کرد.اقدام روسیه در روزهای پایانی سال‏ 2005 انعکاس دیگری داشت.چون موقعیت و شرایط اوکراین برای طرف‏های ماجرا اهمیت دیگری دارد.از طرفی 80 درصد گاز صادراتی برای اروپا از طریق خط لوله‏های واقع در اوکراین فرستاده می‏شود و این امر برای اروپا و همچنین روسیه از اهمیت فراوانی برخوردار است.البته این اهمیت برای اوکراین نیز قابل درک است‏ چون بر این اساس اهرمی قدرتمند در اختیار دارد.از جانب دیگر روسیه برای ابراز وجود و عرض اندام‏ ( Power Projeftion )در اروپای مرکزی و دریای سیاه به‏ وجود دولت دوست و همراه در اوکراین نیاز حتمی‏ دارد.(بندر سباستوپل اوکراین پایگاه ناوگان روسیه در دریای سیاه و در اجاره همیشگی روسیه است).در شرایطی که اوکراین(بعد از انقلاب رنگی و سردی روابط با روسیه)در ماه مارس 2006 برگزاری انتخابات را فرا رو دارد روسیه دست به ریسک احتمالا حساب شده‏ای زد و روز اول ژانویه جریان گاز را قطع کرد و در روز چهارم‏ ژانویه با حصول توافق وضعیت را به حالت عادی‏ باز گرداند.اما در پی این توافق دو طرف،یک شرکت‏ مشترک تاسیس شد،اقدامی که با شگفتی همراه گردید؛ چون گاز پروم روسیه که می‏توانست تمام منافع احتمالی‏ را از آن خود سازد،شریکی اوکراینی را پذیرا شد تا نیمی‏ از منافع را به او واگذارد،طرفه آنکه نام و نشان طرف‏های‏ اوکراینی ظاهرا نامشخص است و گپ و گفت‏هایی‏ وجود دارد که طرف اصلی یکی از افراد سرشناس دولت‏ سابق اوکراین است که تحت تعقیب قرار دارد و در مسکو زندگی می‏کند.اما هنوز زود است که در مورد این تغییر و تحول نتیجه گیری شود و باید در انتظار نتایج‏ انتخابات اوکراین ماند تا مشخص شود گروه نارنجی‏ (طرفداران دولت فعلی)و یا گروه آبی(طرفداران مسکو و دولت قبلی)کدامیک پیروز می‏شوند.آنچه مسلم است‏ این که روسیه با اقدام خود به موقعیتش به عنوان‏ عرضه کننده مطمئن گاز به اروپا برای بیش از چهار دهه‏ خدشه وارد کرد و صدمه زد.و اروپا هم در این مورد واکنش نشان داد.

اروپا

قطع موقتی گاز اروپا را نگران کرد و کشورهای‏ مختلف را برای چاره جویی به تکاپو واداشت از اولین‏ مظاهر وضعیت غیر عادی در اروپا در اوکراین ظاهر شد و پارلمان به دولت رای عدم اعتماد داد.رئیس جمهور آن کشور نیز پارلمان را منحل کرد.اتفاق دیگر بروز اختلاف بین دو حزب اصلی تشکیل دهنده دولت نوپای‏ ائتلافی آلمان پیرامون لزوم یا عدم لزوم استفاده از رآکتورهای هسته‏ای به سبب آسیب پذیری کشور در قبال‏ انرژی بود.ضمن اینکه این کشور در صدد تهیه استراتژی‏ جدید ملی انرژی آلمان است.

اروپا عکس العمل‏های دیگری هم داشت که در دو جهت آن را پیش برد؛جست‏وجو برای عرضه کننده دیگر و توجه بیشتر به گاز مایع( LNG ).

لهستان مسئله تماس با نروژ را مورد پیگیری مجدد قرار داده و همچنین موضوع ایجاد خط لوله انتقال گاز از الجزایر به اسپانیا و ایتالیا در برنامه قرار گرفته است. بلغارستان نیز ضمن تماس با مقامات ذی‏ربط اتریش‏ (رئیس دوره‏ای اتحادیه اروپایی)خواستار تسریع در ساخت و عملیاتی شدن پروژه خط لوله گاز Nabucco شد.این خط لوله گاز ایران و کشورهای حوزه دریای‏ خزر را از طریق ترکیه،بلغارستان،رومانی و مجارستان‏ قطع موقتی گاز و دورنمای‏ فقدان این ماده، غالب کشورهای اروپایی را نگران کرد به نظر می‏رسد باید در انتظار تغییرات‏ قابل ملاحظه‏ای در صنعت‏ جهانی گاز بود

به اتریش خواهد رساند.هلند دیگر کشور اروپایی هم‏ در صدد ایجاد تاسیسات دریافت LNG است و آلمان نیز مترصد اقدام مشابهی در ویلم شاون در ساحل دریای‏ شمال است.مجارستان نیز به اتفاق کرواسی،اسلوونی، اسلواکی و اتریش ایجاد خط لوله‏ای از دریای آدریاتیک‏ تا اتریش را در برنامه دارند تا گاز مایع از الجزایر وارد کرواسی شود و سپس در اختیار کشورهای دیگر قرار گیرد.انگلستان نیز در صدد ایجاد تسهیلات و تاسیسات‏ واردات LNG به ظرفیت سالانه 60 میلیارد متر مکعب‏ است.چون وضعیت این کشور به هنگام چند روز بحرانی به رغم آنکه به طور مستقیم از روسیه گاز دریافت‏ نمی‏کند دست کمی از بقیه نداشت.کاهش تولید گاز دریای شمال انگلیسی‏ها را ناچار به دریافت گاز اروپا کرده است و بروز بحران و احتمال کاهش گاز کشورهای‏ اروپایی موجبات دغدغه آنها را فراهم آورد که اروپا نتواند به تعهدات خود در قبال انگلستان عمل کند.بر این اساس‏ دو برنامه پیش‏بینی شده یعنی احتمال تعطیلی یک روز در هفته صنایع وابسته به گاز به عنوان ماده اولیه(صنایع‏ شیمیایی،شیشه سازی و...)و همچنین خاموشی یک‏ روز در هفته منازل که برنامه ریزی روی آنها در دستور کار قرار گرفته است.اتفاق جالبی نیز در این میان رخ داد و آن سفر معاون گاز پروم به لندن بود که به مقامات‏ انگلیسی اطمینان خاطر داد جریان گاز روسیه به اروپا استمرار می‏یابد و جای نگرانی نخواهد بود.اما فردای‏ آن روز به علت سرمای بی‏سابقه در روسیه و اقدام‏ روس‏ها در ارائه گاز بیشتر به داخل،در گاز صادراتی، افت فشار پیش آمد و بر نگرانی اروپائیان و از جمله‏ انگلیسی‏ها افزود.

نکته قابل توجه اینکه روسیه که بر پا کننده همه ماجراها بود خود نیز برای رهایی از مشکلات درگیر با اوکراین، در دو زمینه فعال است.یعنی علاوه بر برنامه ایجاد خط لوله دریای بالتیک به آلمان که قرار است با ظرفیت سالانه‏ 55 میلیارد متر مکعب ساخته شود در صدد ایجاد تاسیسات LNG در نزدیکی سن پترزبورگ است.

این تحولات سبب بروز تغییراتی در صادرات گاز به‏ اروپا شده است.این تغییر به ضرر خط لوله گاز و به‏ نفع LNG در حال وقوع است.طرفداران LNG چنین‏ استدلال می‏کنند که به رغم گرانی،مزیت LNG د این‏ است که امکان دریافت و خرید از منابع متعدد وجود دارد و فاقد مشکل خط لوله است.

آسیای میانه

روسیه در نظر دارد خرید گاز از آسیای مرکزی را افزایش دهد و برآورد مدیر بخش گاز موسسه‏ بررسی‏های انرژی آکسفورد نشان می‏دهد این میزان‏ به زودی به 100 میلیاد متر مکعب در سال بالغ‏ می‏شود.

روابط پنج کشور آسیای میانه با روسیه از زمان‏ فروپاشی شوروی و نیل به استقلال،در پانزده ساله اخیر دستخوش تحول و فراز و نشیب‏هایی بوده است.آمریکا و سایر کشورهای غربی نیز در صحنه حضور پیدا کرده‏اند.در حال حاضر مناسبات این کشورها به سه‏ دسته تقسیم می‏شود.

قزاقستان و قرقیزستان:به زعم رهبرانشان سیاست‏ خارجی چند وجهی دارند و روابط خوبی با روسیه و غرب دارند.قزاقستان که دارای منابع انرژی است در خصوص فروش گاز با روسیه مشکلی ندارد.

این اقدامات نمایانگر توجه فراوان طرف‏های‏ متعدد یعنی روسیه، آمریکا،چین،اتحادیه‏ اروپا و همچنین دیگر خریدار یعنی کشورمان به‏ ذخایر گاز ترکمنستان است

ازبکستان و تاجیکستان:روابط نزدیکی با روسیه‏ دارند.ازبکستان منابع گاز اندکی دارد ولی موقعیت‏ جغرافیایی‏اش برای انتقالگ از ترکمنستان بسیار مهم‏ است و در توافق با روسیه قرار است در سال 2006 حدود 9 میلیارد متر مکعب گاز(با قیمت هر هزار متر مکعب 60 دلار)به روسیه بفروشد.همچنین طرفین توافق کرده‏اند ظرفیت خط لوله انتقال گاز( Central Asia-Canter ترکمنستان،ازبکستان،قزاقستان و روسیه)از 42 میلیارد به 55 میلیارد متر مکعب افزایش یابد و خط لوله جدیدی‏ نیز با ظرفیت 30 میلیارد متر مکعب در این مسیر کشیده‏ شود.اما مسئله ترکمنستان متفاوت است.

ترکمنستان

در چند ساله اخیر ترکمستان اعلام کرد سیاست‏ بی‏طرفه پیشه می‏کند و در نظر دارد وضعیتی مشابه‏ کشور اتریش در اروپا برای خود در منطقه قائل شود.در عمل به تدریج آن کشور سیاست درونگرایی در پیش‏ گرفته و در زمینه داخلی نیز با عزل و نصب‏های متعدد سیستم سیاسی کشور به شخص صفر مرادنیازف‏ رئیس جمهور که در سنین بالای عمر قرار دارد منوط و منحصر شده است.مناسبات ترکمنستان با روسیه نیز حداکثر در حد معمولی قابل ارزیابی است.در زمینه گاز، اوکراین راسا از خریداران عمده گاز صادراتی‏ ترکمنستان بوده است(در سال 2005 از اکراین 39،روسیه‏ 8 و ایران 7 میلیارد متر مکعب گاز از ترکمنستان‏ خریده‏اند).اوکراین با نیاز سالانه 75 میلیارد متر مکعب، خرید 40 میلیارد متر مکعب گاز از ترکمنستان را در سال‏ 2006 در برنامه دارد.روسیه نیز برای ایفای تعهدات خود در قبال اوکراین و همچنین صادرات به اروپا برنامه خرید 30 میلیارد متر مکعب گاز دارد.روسیه برای سال‏های‏ 2007 و 2008 به ترتیب 70 میلیارد و 80 میلیارد متر مکعب گاز از ترکمنستان خریداری می‏کند.

در مورد قیمت گاز صادراتی ترکمنستان به اوکراین و روسیه که مورد مطالبه طرف ترکمنی است،هنوز توافق‏ حاصل نشده و در ملاقات 23 ژانویه 2006 نیازاف با پوتین‏ نیز ظاهرا گشایشی صورت نگرفته است.نکته مهم اینکه‏ در صورت عدم توافق طرفین تعهدات روسیه در قبال‏ از اولین مظاهر وضعیت‏ غیر عادی در اروپا در اوکراین ظاهر شد و پارلمان به دولت رای‏ عدم اعتماد داد

اوکراین و همچنین افزایش صادرات به اروپا عملی‏ نخواهد بود.از سوی دیگر ترکمنستان در قبال دریافت‏ وام و اعتبار از چین متعهد شده است با ایجاد خط لوله(از طریق ازبکستان)30 میلیارد متر مکعب گاز در سال به‏ چین صادر کند و در ژانویه 2006 یک مقام ارشد چینی با پیش نویس قرارداد مربوطه به عشق‏آباد سفر کرد. ترکمنستان همچنین با پاکستان و افغانستان در خصوص‏ ایجاد خط لوله و صادرات 30 میلیارد متر مکعب گاز در سال توافق کرده است.اخیرا مقامات ترکمنی با محمد حلمی گولر وزیر انرژی ترکیه نیز دیدار داشته و در خصوص صادرات گاز ترکمنستان از طریق خط لوله‏ ( Nabucco ترکیه-اتریش)مذاکره کرده‏اند.

همه این اقدامات نمایانگر توجه فراوان طرف‏های‏ متعدد یعنی روسیه،آمریکا(خط لوله پاکستان)چین، اتحادیه اروپا(خط لوله نابوکو)و همچنین دیگر خریدار یعنی کشورمان به ذخایر گاز ترکمنستان است.فقط یک‏ اشکال کوچک وجود دارد و آن عدم تکافوی تولیدات‏ ترکمنستان است.

میزان تولید گاز ترکمنستان در سال 2005 جمعا 63 میلیارد متر مکعب بوده است و حداکثر میزان تولید در سال‏های قبل از استقلال(در دوران شوروی که مخازن‏ جدیدتر بود)90 میلیارد متر مکعب بوده است.با عنایت‏ به این تحولات این پرسش مطح است که آیا با توجه به‏ ظرفیت تولیدی محدود و وجود خریداران متعدد،برآیند رقابت‏ها در خصوص گاز سبب تحول عمده‏ای در ترکمنستان نخواهد شد؟